فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام
شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره دهم (بهار ۱۴۰۱)

نگاهی به جایگاه اقلام تعهدی در صورت‌های مالی و اثرگذاری آن بر پیشگیری و اجتناب از زیان

(تاریخ ارسال ۱۴۰۰/۱۱/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۰۳/۲۰)

نشمیل ایوبی

چکیده

اقلام تعهدی تفاوت بین سود حسابداری و جریان وجوه نقد حاصل از عملیات را بیان می-کند. بدین معنی که اقلام تعهدی بزرگ، نشان دهنده فزونی سود گزارش شده نسبت به جریان وجوه نقد تولید شده توسط شرکت می‌باشد. این تفاوت، نتیجه قیود حسابداری می‌باشد که چه زمانی درآمد و هزینه باید شناسایی شوند. اقلام تعهدی را می‌توان به اجزای اختیاری و غیراختیاری تفکیک کرد. اجزای اختیاری اقلام تعهدی عبارت از اقلامی است که مدیریت می‌تواند کنترل‌هایی بر روی آن‌ها اعمال کند. اجزای غیراختیاری اقلام تعهدی عبارت از اقلام تعهدی است که مدیریت نمی‌تواند بر روی آن‌ها کنترلی اعمال نماید. از جمله دلایل و انگیزه‌هایی که مدیران را وا می‌دارد تا از پیش بین زیان اجتناب ورزند می‌توان به تلاش برای حفظ سمت و شغل ارتقای آن، تعیین یه هدف مساعد و مطلوب برای عملکرد و تلاش آتی و فشار از سوی ساختار حاکمیت شرکتی بانک محور و... اشاره کرد. برخی از این انگیزه‌ها به طور بالقوه در مدیران ایرانی نیز وجود دارد مثلا برخی ازمدیران شرکتهای ایرانی، مدیریت شرکتی را برعهده دارند که متعلق به یک هلدینگ یا سازمانی است که شرکتهای دیگری رانیز در مجموعه سرمایه گذاری خود دارد. بنابراین مدیر تلاش می‌کند تا با پیش بینی سود واجتناب از پیش بینی زیان، انگیزه و اشتیاق خود را برای دستیابی به یک هدف مطلوب و موفقیت آمیز نشان دهد. با توجه موارد بالا دراین مقاله علمی به دنبال پاسخ این سوال هستیم که آیا بین مدیریت اقلام تعهدی و اجتناب از زیان رابطه وجود دارد؟

واژگان کلیدی: اجتناب از زیان، اقلام تعهدی، مدیریت سود، صورت مالی، سود حسابداری

بخش اول: کلیات و مبانی نظری

بند اول: مبانی نظری سود

در ابتدای پیدایش انسان، منفعت گرایی در ذات او بوده است. با پیدایش علم اقتصاد و در کنار آن حسابداری، مفهوم منفعت گرایی جای خود را پیدا کرده است بطوریکه حسابداری دو طرفه با نظریه مالکیت شروع شد. بعدها تئوری تفکیک شخصیت مطرح گردید. در این تئوری، شخصیت واحد تجاری جدای از شخصیت صاحبان آن بوده و هدف موسسه، ایجاد سود حسابداری برای سهامداران و بستانکاران بوده است و به دلیل آن تئوری‌های موسسه، حقوق باقیمانده و وجوه مطرح شدند که هر کدام تقسیم جدیدتری از اطلاعات حسابداری، به خصوص سود را ارائه می‌دهند.

در تئوری وجوه، سود حسابداری معنی و مفهومی ندارد. در تئوری موسسه، واحد تجاری یک بنگاه اجتماعی به حساب می‌آید که برای عموم منافع ایجاد می‌کند و منافع آن سود حسابداری نیست بلکه معتقدند که موسسات با اهداف رفاهی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هم ممکن است ایجاد شوند. البته در کنار نظریه اقتصاددانان این نظریه وجود دارد که اکثر واحدهای تجاری برای سودآوری تأسیس می‌شوند. (علی پناه، ۱۳۸۰) سود مهمترین معیار اندازه گیری کارایی، ارزیابی دستاوردهاوپیش بینی تصمیمات مدیریت می‌باشد. برآورد سودآتی شرکت باتوجه به توان سودآوری شرکت درگذشته وچگونگی توزیعی آن میان سهامداران، ارزیابی سیاستگذاری‌ها بویژه درباره مخارج سرمایه‌ای وچگونگی تخصیص منابع، قیمت گذاری محصولات، مبنایی برای وضع مالیات، پیش بینی واکنش قیمت اوراق بهادار، برآورد واکنش سرمایه گذاری با اعطای وام واعتبار به واحد انتفاعی می‌باشد. سهامداران ریسک گریز بوده و تمایل دارند درشرکتهایی سرمایه گذاری کنند که سود از ثبات بیشتر و نوسان کمتر برخوردار باشدثبات سود رابا میزان احتمال تحقق سودهای آتی در ارتباط می‌باشد. اینجاست که مدیریت سود ضرورت پیدامی کند ارزش سهام وثروت سهامداران را افزایش وریسک سرمایه گذاری را کاهش می‌دهد. مدیریت سود، مداخله عمومی مدیریت در فرایند تعیین سود درراستای اهداف دلخواه مدیریت می‌باشد (وایلد وهمکاران ۲۰۰۱).

بند دوم: مفاهیم سود در حسابداری

یکی از مواردی که همیشه در تعریف آن بین الگوهای مختلف هیچ گاه توافقی نبوده، اصطلاح سود می‌باشد. اصطلاح سود یکی از غیر ثابت ترین مفاهیم در دنیای تجارت می‌باشد. پاره‌ای از اندیشمندان حسابداری براین باورند «سودی که با یک مبنای واحد ارزش گذاری اندازه گیری شود، می‌تواند تأمین کننده نیازهای همه استفاده کنندگان باشد. » این محققان همچنان توافق عام دارند که اطلاعات ارزش جاری برای تصمیم گیریهای اقتصادی استفاده کنندگان، اطلاعات بسیار مفیدتری از اطلاعات سنتی مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی در اختیار آنها قرار می‌دهد. شاید بتوان گفت که سود یکی از مفاهیمی است که حسابداری از اقتصاد به عاریت گرفته است. اگرچه از دیدگاه اطلاعاتی، مفهوم سود، بیشتر فعالیت‌های حسابداری را توصیف می‌کند اما از لحاظ ملاک اندازه گیری بنیادی کماکان مورد تردید است. براساس مفروضات بازار کارایی سرمایه تحقیقات علمی نیز مؤید این دیدگاه است که سود حسابداری محتوای اطلاعاتی دارد.

مک نیل در بخشی پیرامون سود واقعی می‌نویسد: در حسابداری یک تعریف درست از سود وجود دارد و آن این است که سود افزایش در ثروت خالص و زیان، کاهش در ثروت خالص است. این تعریف اگرچه تعریف یک اقتصاد دان می‌باشد اما مختصر، مفید، عینی و به صورت ریاضی هم قابل ارائه می‌باشد و باید گفت این یک ایده آل دست نیافتنی نیست (کرمی، ۱۳۸۹).

بند سوم: اهداف گزارشگری سود

شرکت‌ها بایستی در پایان هر دوره فعالیت، صورت‌های مالی اساسی تهیه نمایند. یکی از آن صورتهای مالی، صورت سود و زیان است که آخرین رقم آن سود واحد تجاری می‌باشد. با توجه به اهمیت وکاربردهای مختلف سود، اهداف گزارشگری سود شامل موارد ذیل می‌باشد:

سود به عنوان راهنمایی مورد تصور است که براساس آن سیاست‌های مربوط به سود تقسیمی و نگهداری سود تدوین می‌شود. سود را به عنوان شاخصی از بیشترین مبلغی

می‌دانند که می‌تواند به صورت سود تقسیمی توزیع یا در شرکت سرمایه گذاری مجدد شود. سود به عنوان راهنمایی برای سرمایه گذاری و تصمیم گیری مورد توجه قرار می‌گیرد معمولاً چنین فرض می‌شود که سرمایه گذاران می‌کو شند بازده مبلغی را که سرمایه گذاری می‌کنند، به حداکثر برسانند، البته با توجه به درجه قابل قبولی از ریسک. سود بعنوان یک ابزار یا وسیله پیش بینی کننده به حساب می‌آید که افراد را در امر پیش بینی سودها و رویدادهای اقتصادی آینده یاری می‌دهد. سود شامل نتیجه‌های «عملیاتی یا سود عادی» و نتیجه‌های «غیر عملیاتی یا سود وزیان غیر عملیاتی ناشی از رویدادهای غیر مترقبه» می‌باشد که مجموع آنها برابر است با سود خالص. فرض بر این است که سود عادی امری جاری و مستمر است ولی سود و زیان غیر عملیاتی ناشی از رویدادهای غیر متقربه چنین نیست. نتیجه تحقیق‌ها نشان می‌دهد که برای پیش بینی سود آینده، سود عادی یا جاری نسبت به سود خالص برتری دارد. سود بعنوان معیاری از کارآیی مورد توجه قرار می‌گیرد. سود معیاری است از مباشرت مدیریت بر مبنای شرکت و کارآیی در انجام رساندن امور شرکت. بطوری که هیات استانداردهای حسابداری مالی این موضوع را بدین صورت ارائه کرده است: «یکی از هدف‌های صورتهای مالی این است که در مورد قضاوت درباره توانایی مدیریت، از نظر استفاده بهینه یا اثر بخشی از منابع شرکت و جهت دادن به عملکرد در راستای دستیابی به هدف اولیه شرکت، که با گذشت زمان بالاترین مقدار نقد را به مالکان باز گرداند، اطلاعاتی مفید ارائه نماید». گزارشگری سود می‌تواند به عنوان ابزاری باشد تا محدودیت براساس آن در مورد آینده برنامه‌ریزی نماید (موسی نژاد، ۱۳۸۹)

بند چهارم: مفهوم اقتصادی سود

مفهوم اقتصادی سود همواره مورد توجه اقتصاد دانان بوده است. آدام اسمیت نخستین اقتصاد دانی بود که سود را به عنوان افزایش ثروت تعریف نمود. بیشتر کلاسیک‌ها بویژه مارشال به پیروی از آدام اسمیت به مفهوم سود توجه کردند و آن را به مفهوم یا تصویری که از شیوه عملیات تجاری یا کسب کار داشتند، مربوط نمودند. برای مثال، آنها سرمایه ثابت و سرمایه در گردش را از یکدیگر تفکیک نمودند. آنها سرمایه فیزیکی و سود را از یکدیگر تفکیک و بر تحقق سود تاکید نمودند و آن را دلیلی برای شناسایی (ثبت) سود

دانستند. در آغاز سده بیستم ایده‌هایی در مورد سود ارائه شد. فیشر، لیندال و هیکس درباره ماهیت مفهوم اقتصادی سود یک دیدگاه جدید ارائه کردند. فیشر سود اقتصادی را بدین گونه تعریف کرد: یک سلسله از رویدادها که به حالت‌های مختلف مربوط می‌شوند: لذت بردن از سود روانی، سود واقعی و سود پولی. سود روانی عبارت است از مصرف واقعی شخص از کالاها و خدماتی که موجب لذت روانی و تامین خواسته‌ها می‌شوند. سود روانی یک مفهوم روانشناختی است که نمی توان آن را به صورت تقریبی بیان کرد. سود واقعی عبارتست از بیان رویدادهایی که موجب بروز یا افزایش لذت‌های روانی می‌شود. سود واقعی را می‌توان به بهترین شکل ممکن از طریق هزینه زندگی اندازه گیری کرد. به بیان دیگر، با پرداخت پول برای خرید کالا یا خدمات، قبل یا بعد از مصرف، می‌توان رضایت حاصل شده از طریق لذت روانی ناشی از سود را محاسبه کرد. از این رو، سود روانی، سود واقعی و بهای زندگی سه مرحله متفاوت از سود هستند. سرانجام سود پولی نمایانگر همه‌ی پول‌هایی است که به قصد مصرف در جهت تامین بهای زندگی دریافت می‌شوند.

به هر حال، سود روانی اساسی ترین پایه سطح سود را تشکیل می‌دهد و سود پولی مرحله‌ای از سود است که اغلب آنرا سود می‌دانند، فیشر تصور کرد که برای حسابداران سود واقعی (نسبت به بقیه) جنبه عملی و کاربرد بیشتری دارد. به هر حال، سود روانی اساسی ترین پایه سطح سود را تشکیل می‌دهد، فیشر همچنین تصور کرد که برای حسابداران سود واقعی (نسبت به بقیه) جنبه علمی و کاربرد بیشتری دارد.

بند پنجم: نارسایی محتوای اطلاعاتی سود

حسابداری تعهدی متضمن قضاوت‌های شخصی متعدد است. در تعیین سود، مشکل مفهومی و اجرایی متعددی در ارتباط با اقلام قابل انتقال به دوره‌های آتی، تسهیلات، تخصیصها و ارزیابیها وجود دارد، در حالی که در محاسبه گردش وجه نقد اثر این گونه داوریها به حداقل می‌رسد. به دلیل وجود رویه‌های گوناگون حسابداری، سود به معنای مقایسه بنگاه‌ها با یکدیگر زیر سؤال قرار می‌گیرد. منتقدان این اتهام را بر سیستم حسابداری وارد می‌آورند که بجای محتوای اقتصادی رویدادها، محتوای حسابداری آنها را ثبت می‌نماید. برخی از رویدادهای اقتصادی اصلا در سیستم حسابداری شناسایی نمی

شوند. در حالی که رویدادهای دیگری که در اهمیت اقتصادی آنها جای تردید وجود دارد با تمام جزئیات مربوط ثبت می‌شوند. لذا سود اتکای بیشتری بر ساختارهای حسابداری دارد تا بر واقعیات اقتصادی. پرفسور «لی» معتقد است که سود یک مفهوم انتزاعی است در حالیکه وجه نقد یک منبع عینی می‌باشد. وی معتقد است، ادامه حیات بنگاه یکی از اولین ملاحضات بوده و وجه نقد یکی از مهم ترین عوامل بقای هربنگاه را تشکیل می‌دهد. فقط بنگاه‌هایی می‌توانند به بقای خود ادامه دهند که در عین سودآور بودن، بتوانند نیازهای خود را تأمین نمایند. درک وضعیت قدرت پرداخت بنگاه یکی از ضروریات می‌باشد و سود این اطلاعات را به وضوع تأمین نمی نماید (بلوکی، ۱۳۸۱).

بند ششم: نقاط قوت سود حسابداری

پرفسورایجری، کوهلر، لیتل تان و ماتز در زمره مهم ترین و پرشورترین مدافعان سود حسابداری قرار می‌گیرند. در این بخش درباره ۴ دیدگاه یا عقیده اصلی آنها بحث می‌شود. نخستین دیدگاه در تائید سود حسابداری این است که سود مزبور توانسته است در طول زمان همواره سر بلند بماند. اغلب استفاده کنندگان داده‌های حسابداری بر این باورند که سود حسابداری سودمند است و در برگیرنده یک عامل تعیین کننده از شیوه‌های عملی، روش‌های اجرایی و الگوهای تصمیم گیری می‌باشد. کوهلر در تائید چنین دیدگاهی میگوید: «موجودیت کنونی حسابداری نه به سبب علاقه یا درخواست حسابداران بلکه به سبب اعمال نفوذ تجار، کسبه یا سوداگران است. اگر کسانی که درباره سرمایه گذاری‌ها تصمیم می‌گیرند به گزارش‌های مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی، دسترسی نداشتند، از مدت‌ها پیش تغییرهایی در حسابداری بوجود آمده بود. »

دوم، از آنجایی که سود حسابداری مبتنی بر رویدادهای واقعی وحقیقت است، این سود بصورت عینی محاسبه و گزارش شده است. از این رو اصولاً قابل اتکا می‌باشد. اعتقاد طرفداران استفاده از سودحسابداری مبنی بر اینکه حسابداری باید واقعیت را (ونه ارزشها را) گزارش نماید، باعث می‌شود که عینیت این سود مورد تایید قرار گیرد. سوم، سود حسابداری از طریق تکیه بر اصل تحقق درآمد به شاخص محافظه کاری پایبند باقی می‌ماند. به بیان دیگر در محاسبه وگزارش سود از طریق نادیده انگاشتن تغییر در ارزشها،

محافظه کاری به صورتی معقول متجلی می‌شود. چهارم، چنین پنداشته می‌شود که سود حسابداری برای اعمال کنترل به ویژه درگزارشگری در مورد مباشرت سودمند می‌باشد (بلوکی، ۱۳۸۱).

بند هفتم: نقاط ضعف سود حسابداری

در ادبیات حسابداری، نه تنها به صورتی بسیار قوی از سود حسابداری دفاع شده است بلکه از نظر نقاط ضعف متعدد، به شدت مورد انتقاد نیز قرار گرفته است. اصولاً در دیدگاه‌های مخالف برای استفاده از سود حسابداری موضوع «مربوط بودن» این عدد در تصمیم گیریها مورد سوال قرار گرفته است. در این بخش درباره برخی از دیدگاه‌های مخالف بحث می‌شود.

یک دیدگاه این است که به سبب کاربرد اصل بهای تمام شده تاریخی و تحقق درآمد، سود حسابداری نمی تواند افزایش ارزش تحقق نیافته داراییهای را که در یک دوره زمانی مشخص نگهداری شده اند، شناسایی نماید. این ویژگی باعث می‌شود که نتوان اطلاعاتی سودمند را افشاء نمود. دوم، چنین پنداشته می‌شود که با توجه به روش‌های مختلف پذیرفته شده برای محاسبه بهای تمام شده (برای مثال، روش‌های مختلف تعیین ارزش، بهای تمام شده موجودیها و....) تکیه بر سود حسابداری مبتنی بر اصل بهای تمام شده تاریخی کار مقایسه اقلام را بسیار مشکل می‌سازد.

سوم، تکیه بر سود حسابداری مبتنی بر اصل تحقق درآمد بهای تمام شده تاریخی و محافظه کاری باعث می‌شود که نتوان داده‌ها را درک کرد (داده‌ها گمرا ه کننده شوند) یا نسبتهای مبتنی بر صورت‌های مالی که با رعایت این اصول محاسبه شده اند.

بند هشتم: پیش بینی سود

بیشتر تحقیقها مبتنی بر رویکرد پیش بینی، به رفتار سود حسابداری و پیش بینی آن اختصاص دارد. انگیزه‌های اصلی توجه به پیش بینی سود در تحقیقات به شرح زیر است:

– استفاده پیش بینی سود در مدل ارزشیابی: یکی از پدیده‌هایی که اکثر اقتصاد دانان و دانشمندان امور مالی بر روی آن اتفاق نظر دارند، وجود رابطه‌ای بین سود پیش بینی شده و ارزش سرمایه می‌باشد. مدل فیشر (برای اقتصاد اطمینان کامل) و مدل قیمت گذاری

داراییهای سرمایه‌ای (برای شرایط عدم اطمینان)، ارزش داراییها را بر حسب جریان نقد آتی برآورد می‌کنند و چون اطلاعات جریان نقدی آتی اغلب موجود نیست، از سود آتی به عنوان جایگزین آن استفاده می‌شود. اقتصاددانانی چون مودیلیانی و میلر در مدلهای ارزشیابی از سود حسابداری به عنوان جایگزین جریان نقد استفاده کرده اند. به طورکلی بررسی مدلهای ارزشیابی شرکت با سهام نشان می‌دهد که سود پیش بینی شده بعنوان اصلی ترین متغیر توضیحی قیمت داراییهای سرمایه‌ای می‌باشد. سود از طریق علامت دهی در خصوص تخصیص منابع به کارکرد بازار سرمایه کمک می‌کند و نوعی راهنما برای سرمایه گذاری و تصمیم گیری است.

– ارزش توان پرداخت: با توجه به این که سود جایگزین برای پیش بینی جریان نقد می‌باشد؛ پیش بینی سود برای ارزشیابی توان پرداخت سود هزینه‌های مالی، مالیات، تعهدات سودمند است. از ارقام سود به عنوان راهنمایی جهت تدوین سیاستهای مربوط به تقسیم سود و سرمایه گذاری شرکت نیز استفاده می‌شود.

– ارزشیابی عملکرد واحد اقتصادی ومباشرت مدیریت: با توجه به جدایی مدیریت و مالکیت یکی از معیارهای مهم ارزشیابی کارایی و نحوه استفاده از منابع و وظیفه مباشرت مدیریت، مقایسه سود واقعی و پیش بینی می‌باشد. تصمیمات و اقدامات مدیریت و پرداخت پاداش اغلب در قالب ارقام سود بیان می‌شود و با وجود ایراداتی که به سود حسابداری وارد می‌شود، جایگزین موثر برای آن ارائه نشده است.

– تبیین نحوه انتخاب خط مشی‌های حسابداری توسط مدیریت: با توجه به اینکه پاداش مدیران بستگی به قیمت دارد، می‌توان نتیجه گرفت که مدیران روش‌های حسابداری را که باعث افزایش سود و نرخ رشد آن و کاهش واریانس تغییر سود شود انتخاب می‌کنند. بنابراین مدیران از طریق انتخاب روش‌های حسابداری سود را هموار می‌کنند. به هر حال در تئوری اثباتی حسابداری فرضیه‌های دیگری نیز در این خصوص وجود دارد.

– ارزیابی اثرات اقتصادی استانداردهای حسابداری: پیش بینی رفتار سود در پاسخ به استانداردهای جدید به عنوان یکی از روش‌های ارزیابی استانداردهای حسابداری می‌باشد

که به طور گسترده مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است.

– استفاده از پیش بینی سود در تحقیقها: در بسیاری از پژوهشهای اقتصادی، مالی و حسابداری از مدلهایی استفاده می‌شود که پیش بینی سود به عنوان یکی از متغیرهای اصلی مورد نیاز می‌باشد.

– تمرکز گزارشگری مالی بر سود: هیات استانداردهای حسابداری آمریکا تهیه اطلاعات در مورد سود، اجزای آن را کانون اصلی گزارشگری مالی بیان کرده است. بنابراین تعجب انگیز نیست که کوششهای زیادی برای پیش بینی و بهبود اندازه گیری سود صرف شود. (موسی نژاد، ۱۳۸۹)

بند نهم: نقش اطلاعاتی سود

یکی از نقشهای اطلاعاتی سود، تعدیل و اصلاح باورهای موجود در توانایی شرکت در پرداخت سود تقسیمی آتی است. روابط تئوریک را می‌توان بین سود تقسیمی آتی و قیمت سهام، سود تقسیمی آتی و سودآتی و سود جاری توسعه داد. هرکدام از این روابط می‌تواند سرمایه گذاران، تحلیل گران، مدیران و سایر استفاده کنندگان را در ارزیابی اوراق بهادار کمک کند، زیرا چنین فرض می‌شود که ارزش اوراق بهادار تابعی از سود و ریسک آتی آن است. سود تقسیمی آتی و قیمتها از طریق مدل ارزشیابی به هم مرتبط می‌شوند. به طور کلی، مدل ارزشیابی به مبلغ سود تقسیمی که در هر دوره زمانی دریافت می‌شود، اعتقاد سرمایه گذاران نسبت به دریافت آن، و مبلغ دریافتها مرتبط می‌باشد. با وجود این، اگر سود و سود تقسیمی مرتبط فرض شوند، قیمتها می‌تواند تابعی از ارزش سود آتی باشد. برای اینکه سود محتوای اطلاعاتی داشته باشد، باید ارتباط متصوری بین سود و مشخصه‌هایی که به نظر می‌رسد ارزش اوراق بهادار را تعیین می‌کند وجود داشته باشد.

الف) نقش سود در شرکت: فرایند اندازه گیری سود نقش مهمی در عملیات شرکت بازی می‌کند. سود به خودی خود سهم قابل دریافت توسط سهامداران را اندازه گیری می‌کند، فرایندی هم که سهم دولت و مدیران را تعیین می‌کند وابسته به فرآیند اندازه گیری سود سهامداران است. سود به خاطر ماهیت باقی مانده‌ای که دارد، نقش ارزشمندی در مورد

قابلیت تداوم عملیات شرکت بازی می‌کند. کارگزاران نیز از این ابزار کلیدی برای برنامه ریزیهای آتی خود در مورد ادامه فعالیت با شرکت استفاده می‌کنند.

ب) اقلام تعهدی و نقش سودمند آنها: هر یک از تعدیلات حسابداری را که باعث ایجاد اختلاف بین سود خالص حسابداری و وجوه نقد حاصل از عملیات می‌گردند، را می‌توان به عنوان نتایج فرایند حسابداری در مبنای تعهدی طبقه بندی کنیم. براساس این تعریف، سود حسابداری بر مبنای نقدی با جریانات وجوه نقد عملیاتی یکسان خواهد بود. پس جزء تعهدی سود را می‌توان بعنوان تفاوت بین سود خالص حسابداری و وجوه نقد حاصل از عملیات تعریف نمود.

ج) وجوه نقد عملیاتی: سود حسابداری محاسبه شده حسابداری ناشی از یک جریان تعهدی است. بسیاری از اقلام درآمدی و هزینه‌ای شرکت ها، نشان دهنده یک جریان نقد ورودی و خروجی طی یک دوره نیستند. همچنین چرخه عملیاتی شرکت در برگیرنده عملیاتی است که الزاما به جریان وجه نقد منجر نمی شود. برخی سهامداران به غلط تصور می‌کنند که سود خالص، معادل مبلغی است که شرکت توان پرداخت و تقسیم آن را دارد. درصورتی که، در اغلب موارد، اینگونه نیست. طبق نظر برخی از محققین اگر سود خالص شرکت واقعا معادل یا بیش از مجموع جریان نقدی و یا عملیاتی باشد می‌توان گفت که سود ن شرکت از کیفیت بالایی برخوردار است. تحلیل گران مالی با لحاظ کردن اقلام تعهدی و معوق در محاسبه سود، می‌توانند ارزیابی مناسبی از توان نقدی شرکت به دست آورند.

بند دهم: تهیه وپردازش اطلاعات برای پیش بینی

یکی از اهداف مهم تهیه صورت‌ها و گزارش‌های مالی، ارائه اطلاعات لازم برای پیش بینی‌های آتی استفاده کنندگان است. میزان سود ناویژه فروش سال جاری، میزان سود هر سهم، ارائه ارقام مقایسه‌ای سال قبل، تفکیک نتایج عملیات عادی که ماهیتی مکرر دارند از اقلام دیگر و برای پیش بینی نتایج عملیات سال آتی موثرند. ارائه نتایج عملیات عادی از قبیل درآمد فروش کالا یا عرصه خدمات، پرداخت حقوق و دستمزد و تحمل هزینه‌های معمول به طور جداگانه در صورت حساب سود و زیان و تفکیک آنها از سایر اقلام برای پیش بینی اقلام مشابه مورد انتظار از فعالیت‌های عادی سال آتی موثر خواهد بود. در برخی

موارد، رویدادهای مالی غیر مکرر، سود دوره مالی را افزایش یا کاهش داده و در سود مورد انتظار تفاوت زیادی ایجاد خواهد کرد. ارائه نتایج رویدادهای مالی غیر مکرر به طور جداگانه در صورت حساب سود و زیان در تصمیم گیریها و پیش بینی نتایج عملیات آتی سرمایه گذاران و سهامداران تاثیر زیادی دارد. مثلا زیان ناشی از وقوع زلزله و سایر حوادث طبیعی یا سود و زیان حاصل از فروش قسمتی از واحد تجاری از مواردی اند که به صورت غیر مکرر واقع می‌شوند. نتایج این رویداد غیر عادی باید بطور جداگانه از نتایج عملیات عادی در صورت حساب سود و زیان گزارش شود

بخش دوم: بررسی اقلام تعهدی

نقش اصلی اطلاعات حسابداری در بازارهای مالی فراهم کردن زمینه‌های لازم برای تخصیص بهینه‌ی منابع است. در پی‌رسوایی‌های مالی‌اخیر، اطمینان واعتماد سرمایه‌گذاران به سیستم گزارش‌گری مالی ضعیف شده و کیفیت سود به عنوان یک عامل مهم در تعیین اعتبار و قابلیت اعتماد ارقام گزارش شده پدیدار گشت. در نتیجه، تعیین کیفیت اطلاعات حسابداری و نتایج حاصل از آن، مورد علاقه‌ی سرمایه‌گذاران، مدیران، قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردها است. تحلیل‌گران مالی، مدیران و سرمایه‌گذاران درسال‌های اخیر به‌گزارش سودآوری شرکت‌ها توجه زیادی داشته‌اند. مدیران علاقه‌مند به حفظ رشد سود هستند. زیرا، پاداش‌آنان اغلب به سود شرکت وابسته است. سود حسابداری و اجزای آن از جمله اطلاعاتی محسوب می‌شودکه درهنگام تصمیم‌گیری توسط افراد درنظرگرفته می‌شود. سود حسابداری مبتنی برارقام تعهدی ازنظر بسیاری از کاربران اطلاعات صورت-های مالی، ابزاری برای سنجش عملکرد شرکت‌ها محسوب می‌شود. منظور از ارزیابی عملکرد شرکت‌ها ارزیابی کلی وضعیت مالی و نتایج عملیات برای تصمیم‌گیری‌های منطقی است.

سهام‌داران‌که مهم‌ترین گروه کاربران اطلاعات صورت‌های مالی هستند منافع خود را در اطلاعات سود جستجو می‌کنند. یکی از اجزای اصلی سود حسابداری اقلام تعهدی هستند. کیفیت اقلام تعهدی می‌تواند در گزارش‌گری مالی اطمینان سرمایه‌گذاران را در بازارهای مالی تحت تاثیر قرار دهد. از عوامل مهم مؤثر در کیفیت اقلام تعهدی می‌توان به روش‌های

متعدد حسابداری، نارسایی‌های موجود در فرآیند برآوردها و پیش بینی‌ها، اختیار عمل مدیران و تاثیرپذیری این اقلام از مبانی گزارشگری و صلاح‌دید مدیران اشاره کرد. عبارت کیفیت اقلام تعهدی به توانایی مدیران در استفاده از اقلام تعهدی اختیاری در اندازه‌گیری و گزارش‌گری سود اشاره دارد. اقلام تعهدی اختیاری ممکن است شامل انتخاب ازبین اصول یا استانداردهای حسابداری و به‌کارگیری برآوردها و زمان‌بندی معاملات برای شناسایی اقلام غیرعادی درسود باشد. در طول سه دهه اخیر بحث کیفیت اقلام تعهدی مورد توجه خاص پژوهشگران قرارگرفته و تلاش بر این بوده است‌که با دست یافتن به یک روش منطقی و معتبر، کیفیت این اقلام مورد ارزیابی قرارگرفته و عوامل تاثیر گذار برآن شناسایی شود (دسای و همکاران، ۲۰۰۹).

بند اول: تعریف اقلام تعهدی

اقلام تعهدی تفاوت، بین سود حسابداری و جریان وجوه نقد حاصل از عملیات را بیان می-کند. بدین معنی که اقلام تعهدی بزرگ نشان دهنده فزونی سود گزارش شده نسبت به جریان وجوه نقد تولید شده توسط شرکت می‌باشد. این امر به خاطرقیود حسابداری می-باشد که مشخص می‌کنند چه زمانی درآمد و هزینه باید شناسایی شوند (اصل تحقق درآمد و اصل تطابق). اقلام تعهدی را می‌توان به اجزای اختیاری و غیراختیاری تفکیک کرد. اجزای اختیاری اقلام تعهدی عبارت از اقلامی است که مدیریت می‌تواند کنترل‌هایی بر روی آن‌ها اعمال کند. اجزای غیراختیاری اقلام تعهدی عبارت از اقلام تعهدی است که مدیریت نمی‌تواند بر روی آن‌ها کنترلی اعمال نماید(دسای و همکاران، ۲۰۰۹).

زای (۲۰۰۱) اقلام تعهدی را در قالب فاصله بین جریان‌های نقدی عملیاتی و سود حسابداری تعریف کرده است. جونز (۱۹۹۱) تفاوت بین سود و جریان وجه نقد حاصل از عملیات را به عنوان اقلام تعهدی شناسایی کرده است. اسلوان (۱۹۹۶) اقلام تعهدی را به عنوان تغییر در سرمایه در گردش غیر نقدی منهای هزینه‌های استهلاک تعریف نمود. تعریف اسلوان از تعریف هلی (۱۹۸۵) نشأت گرفته است‌که دقیقاً با تعریف اقلام تعهدی عملیاتی استفاده شده در بیانیه استانداردهای مالی شماره ۹۵ (FASB، صورت جریانات نقدی) مطابقت دارد. برای دستیابی به یک اندازه‌گیری جامع از اقلام تعهدی، عنوان می‌شود

که در صورت عدم استفاده از حسابداری تعهدی (استفاده از حسابداری نقدی)، تنها حساب-های نقدی در ترازنامه منعکس می‌شوند، لذا گزارش سایر حساب‌های دارایی و بدهی در ترازنامه نتیجه به کارگیری حسابداری تعهدی است (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۰۵). بنابراین، اقلام تعهدی بیانگر تغییر در تمام دارایی‌های غیر نقدی منهای تغییر در تمام بدهی‌های غیر نقدی می‌باشد(ریچاردسون و دیگران، ۲۰۰۵). ادبیات حسابداری اقلام تعهدی به دو نوع اقلام تعهدی اختیاری و اقلام تعهدی غیر اختیاری تفکیک شده است. اقلام تعهدی اختیاری آن دسته از اقلام تعهدی هستند که تحت کنترل مدیریت می‌باشند و به راحتی هدف دستکاری واقع میشوند درحالی که اقلام تعهدی غیراختیاری تحت کنترل مدیریت واحد تجاری نمی باشند. یک عامل بنیادی در آزمون مدیریت سود در شرکت ها، تخمین عامل اختیار و اعمال نظر مدیران در تعیین سود است. بررسی ادبیات مدیریت سود، بیانگر وجود رویکردهای متفاوت در تعیین سود گزارش شده است. یکی از مهم ترین رویکردها، مبتنی بر اقلام تعهدی اختیاری به عنوان شاخصی برای تعیین و کشف مدیریت سوددرواحدهای تجاری است.

بند دوم: کیفیت اقلام تعهدی

در این پژوهش به پیروی از مطالعات پیشین (فرانسیس وهمکاران، ۲۰۰۵، وردی، ۲۰۰۶، کور و همکارن، ۲۰۰۸) کیفیت گزارشگری مالی را به عنوان توان صورت‌های مالی در انتقال اطلاعات عملیات شرکت و به طور خاص، پیش بینی جریان‌های نقدی مورد انتظار به سرمایه گذاران تعریف می‌نماییم. پژوهش حاضر بر کیفیت اقلام تعهدی به عنوان شاخص تعیین کننده کیفیت گزارشگری مالی تأکید می‌کند. این معیار در پژوهشات بسیاری (فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۵، وردی، ۲۰۰۶، باتاچاریا و همکاران، ۲۰۰۷، هیلاری و وردی، ۲۰۰۸، کور و همکاران، ۲۰۰۸، و ترو ال و سولانو، ۲۰۰۹) مورد استفاده قرار گرفته است.

پژوهش‌های تجربی به صورت فزاینده در حال بررسی نقش کیفیت حسابداری به عنوان معیاری از تقارن اطلاعاتی می‌باشند. برخی از مطالعات یاد شده نشان داده اند که کیفیت اطلاعات حسابداری بر هزینه سرمایه، مدت سررسید بدهی، انتخاب نامطلوب در هنگام اعلام سود و سطح انباشت وجوه نقد اثرگذار می‌باشد. تأکید بر اقلام تعهدی در این

پژوهشات ناشی از آن دسته از شواهد تجربی (دیچاو، ۱۹۹۴، سوبرامائیان، ۱۹۹۶، امسی نیکلز، ۲۰۰۲، باتاچاریا، ۲۰۰۷، ظریف فرد و ناظمی، ۱۳۸۳، ثقفی و فدایی، ۱۳۸۶، و عرب مازار یزدی و صفرزاده، ۱۳۸۶) است که نشان می‌دهد اقلام تعهدی سبب افزایش جریان‌های نقدی آتی می‌گردد. به عنوان مثال از نظر اعتباردهندگان، کیفیت پایین‌تر اقلام تعهدی منجر به کاهش توانایی آنان در ارزیابی و برآورد جریان‌های نقدی می‌شود. در نتیجه کیفیت پایین اقلام تعهدی منجر به افزایش هزینه بدهی می‌گردد. البته چون اقلام تعهدی مبتنی بر فرضیات و برآوردهای حسابداری می‌باشد، ممکن است در ارقام تعهدی خطاهایی وجود داشته باشد. این خطاها موجب اخلال در اقلام تعهدی و سبب کاهش سودمندی اقلام تعهدی می‌گردد. بنابراین، هر چه اندازه مقادیر خطاها کمترگردد، کیفیت اقلام تعهدی افزایش می‌یابد.

بند سوم: مدل‌های موجود برای بررسی‌کیفیت اقلام تعهدی

مطالعات اولیه برای اندازه گیری کیفیت اقلام تعهدی، از معیارهای ساده‌ای مانند اقلام تعهدی هلی(۱۹۸۵) و تغییرات در مجموع ارقام تعهدی دی آنجلو (۱۹۸۶) استفاده می-کردند (هر چه معیار مذکور بزرگتر باشد، کیفیت اقلام تعهدی کمتر است). معیارهای جدیدتر برای برآورد سطح غیر اختیاری اقلام تعهدی از رگرسیون اقلام تعهدی و متغیرهای مالی خاصی که مربوط به اقلام تعهدی غیر اختیاری هستند، مانند تغییرات درآمد، سود عملیاتی و یا جریان نقد عملیاتی استفاده می‌کنند به طوری که باقیمانده آن رگرسیون نشان دهنده اقلام تعهدی اختیاری است. به طورکلی اقلام تعهدی اختیاری، به عنوان شاخصی برای برآورد کیفیت اقلام تعهدی است. محققانی مانند دیچاو، اسلوان و سواینی (۱۹۹۵)، گوآی، کوتاری و واتز (۱۹۹۶)، توماس وژانگ (۲۰۰۰)، فرانسیس، لافند، اولسن و شیپر (۲۰۰۵) و کور، گوآی و وردی (۲۰۰۸) از باقیمانده رگرسیون برای برآورد اقلام تعهدی استفاده می‌کنند.

مدل اسلوان: اسلوان (۱۹۹۶) اقلام تعهدی را این چنین تعریف و اندازه گیری نمود:

$$\text{Accruals} = \Delta CA - \Delta CL - DEP$$

$$\text{Accruals} = (\Delta AR + \Delta INV + \Delta OCA) - (\Delta AP + \Delta OCL) - DEP$$

ΔCA: تغییر در دارایی‌های جاری غیر نقدی

ΔCL: تغییر در بدهی‌های جاری به جزء بدهی‌های کوتاه مدت و مالیات پرداختنی

DEP: استهلاک دارایی‌های مشهود و نامشهود

ΔAR: تغییر در حساب‌های دریافتنی

ΔINV: تغییر در موجودی‌های کالا

ΔOCA: تغییر در سایر دارایی‌های جاری

ΔOCL: تغییر در حساب‌های پرداختنی

ΔAP: تغییر در سایرحساب‌های پرداختنی

مدل دی آنجلو

دی آنجلو (۱۹۸۶) مدل خود را به قرار زیر بیان کرد:

$$NDA_t = TA_{t-1} / A_{t-2}$$

$$DA_t = TA_t - NDA_t$$

TA_t: کل اقلام تعهدی

NDA_t: بخش غیر اختیاری اقلام تعهدی

DA_t: بخش اختیاری اقلام تعهدی

TA_{t-1}: اقلام تعهدی دوره قبل

A_{t-2}: کل دارایی‌های دو دوره قبل

مدل جونز

مدل اقلام تعهدی جونز در سال ۱۹۹۱ ایجاد شد. هدف از طراحی مدل جونز بررسی خطای برآورد عمدی مدیریت است و امروزه از آن برای برآورد کیفیت اقلام تعهدی استفاده می‌شود. این مدل به شرح زیر می‌باشد:

$$TCA_t = (\Delta CA_t - \Delta C_t) - (\Delta CL_t - \Delta STDEBT_t) - DEP_t$$

$$NDA_t = \alpha_0 + \alpha_1 \Delta REV_t + \alpha_2 PPE_t$$

TCA_t: اقلام تعهدی سرمایه در گردش در سال t

ΔREV_t: تغییرات درآمد فروش بین دو دوره t و $t-1$

PPE_t: دارایی‌های ثابت پایان دوره t

ΔCA_t: تغییرجمع دارایی‌های جاری پایان دوره t

ΔC_t: تغییرموجودی نقد پایان دوره t

ΔCL_t: تغییر درجمع بدهی‌های جاری پایان دوره t

$\Delta STDEBT_t$: تغییرتسهیلات مالی دریافتی کوتاه مدت پایان دوره t

DEP_t: هزینه استهلاک دوره t

NDA_t: بخش غیر اختیاری اقلام تعهدی

جونز بر این باور است که اقلام تعهدی با تغییر درآمد رابطه مثبت و با دارایی‌های ثابت رابطه منفی دارد. مدل جونز مجموع اقلام تعهدی را به اجزای اختیاری و غیر اختیاری تقسیم می‌کند. این مدل برای ارزیابی مدیریت سود استفاده می‌شود به این ترتیب که رفتار اقلام تعهدی اختیاری را در یک حیطه بررسی می‌کند. در این مدل هر چه میزان اجزای اختیاری مشخص نشده اقلام تعهدی بیشتر باشد، کیفیت تعهدی کمتر است.

مدل تعدیل شده جونز

$$TCA_t=(\Delta CA_t-\Delta C_t)-(\Delta CL_t-\Delta STBEBT_t)-DEP_t$$

$$NDA_t=\alpha_.+\alpha_1(\Delta REV_t-\Delta REC_t)+\alpha_2\ PPE_t$$

ΔREC_t: تغییر در حساب‌های دریافتنی در سال t

تعریف بقیه متغیرها مشابه مدل جونز می‌باشد.

مدل دیچاو و دیچو

در این مدل بر رابطه بین اقلام تعهدی و گردش وجوه نقد گذشته، حال و آینده تأکید شده است که به صورت زیر می‌باشد:

$$TCA_{j,t} = \alpha + \beta_{1,j}CFO_{j,t-1} + \beta_{2j}CFO_{j,t} + \beta_{3,j}CFO_{j,t+1} + \varepsilon_{j,t}$$

اقلام تعهدی به دو دسته اختیاری (غیرمنتظره یا غیرعادی) و غیر اختیاری (منتظره یا عادی) تفکیک می‌شوند. اقلام تعهدی اختیاری اقلامی هستند که مدیریت می‌تواند آنها را کنترل نماید. به عبارت دیگر، اقلام تعهدی اختیاری آنهایی هستند که مدیریت بر آنها کنترل داشته و می‌تواند آنها را به تاخیر بیندازد، حذف کند و یا ثبت و شناسایی آنها را تسریع نماید. اقلام تعهدی غیراختیاری اقلامی هستند که مدیریت نمی‌تواند آنها را کنترل

نماید. از آنجا که اقلام تعهدی اختیاری، در اختیار مدیریت و قابل اعمال نظر توسط مدیریت است، از این اقلام بعنوان شاخصی در کشف مدیریت سود استفاده می‌شود. یکی از ابزارهای مدیریت برای انجام مدیریت سود، استفاده از اقلام تعهدی اختیاری است. درحقیقت، اقلام تعهدی غیر اختیاری، بواسطه مقررات، سازمان‌ها و دیگر عوامل خارجی دچار محدودیت هستند و اقلام تعهدی اختیاری، قابل اعمال نظر توسط مدیریت می‌باشند که همین توانایی اعمال نظر، باعث می‌شود که اقلام تعهدی اختیاری، بعنوان شاخصی جهت کشف مدیریت سود در واحدهای تجاری در نظر گرفته شوند.

بند چهارم:کیفیت اقلام تعهدی به عنوان معیاری برای اندازه گیری کیفیت سود

بطور کلی معیارهای ارزیابی کیفیت سود و اجزای مربوط به آن را که در سال ۲۰۰۲ توسط کاترین و وینسنت ارائه شده به صورت جدول زیر طبقه بندی کرد:

الف)مفهوم کیفیت سود مبتنی بر سری زمانی

پایداری

قابلیت پیش بینی

نوسان پذیری

ب) مفهوم کیفیت سود بر اساس رابطه بین سود و اقلام تعهدی و وجه نقد

نسبت وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی سود

تغییر در کل اقلام تعهدی

پیش بینی اجزا اختیاری اقلام تعهدی به کمک متغیرهای حسابداری

پیش بینی روابط بین اقلام تعهدی و جریان نقدی

ج) مفهوم‌کیفیت سود براساس ویژگی های‌کیفی‌چارچوب نظری هیات‌استاندارد های-حسابداری مالی

مربوط بودن

قابل اتکا بودن

د) مفهوم کیفیت سود بر اساس تاثیر گذاری در تصمیم

قضاوتها و برآوردها، معیاری معکوس از کیفیت سود

رابطه معکوس بین کیفیت سود و تغییر استانداردهای حسابداری

در این زیرگروه، در مورد سازه های کیفیت سود و ارتباط میان اندازه های مربوطه که از ارتباط میان اقلام تعهدی و اجزای نقدی سود مشتق شده‌اند، و ارتباط میان-آنهابامفیدبودن درتصمیم‌گیری و ارائه صادقانه بحث می‌شود. قابل ذکر است تمام سازه ها بر این اساس قرار دارندکه اقلام تعهدی وبرخی از زیرگروه های آن ازکیفیت سود می‌کاهند.

بند پنجم: نسبت جریانات نقدی به سود

این اندازه از کیفیت سود، بر این مبنا قرار دارد که نزدیکی سود به وجه نقد به معنای کیفیت سود بالاست. تحلیلگران در گزارش های خود تا حد زیادی از این روش استفاده کرده اند. در ساده ترین شکل اندازه گیری، کیفیت سود بر مبنای نسبت جریانات نقدی عملیاتی به سود محاسبه می شود. این نسبت علاوه بر نشان دادن میزان ارتباط سود با وجه نقد، به دستکاری محتمل جریانات نقدی عملیاتی نیز حساس است. دیگر سازه های کیفیت سود از این نظر با میزان ارتباط سود و وجه نقد متفاوت هستند که فقط زیرمجموعه خاصی‌ازاقلام تعهدی را بعنوان کاهنده کیفیت سود در برمی‌گیرند نه کل آنها را (یعنی تنها بخشی از اقلام‌تعهدی کیفیت سود راکاهش می دهند). سه اندازه ازکیفیت سودکه پیشتر مورد بحث قرار گرفتند اقلام تعهدی‌که‌کاهنده کیفیت سود محسوب نمی شوند را از سایر اقلام تعهدی متمایز نمی کردند.

بند ششم: برآورد مستقیم ارتباط اقلام تعهدی با نقد

ارتباط تئوریکی پیرامون ارتباط اقلام تعهدی و جریانات نقدی که جنبه های ارتباط وجه نقد-سود را در بردارد و بسیاری از مشکلات رویکرد اقلام بنیادین حسابداری را برطرف نموده، نخستین بار توسط دچو و دیچو (۲۰۰۲) مطرح شد. از نظر آنان اقلام باقیمانده برآورد شده از رگرسیون تغییرات درسرمایه درگردش‌خالص‌برجریانات نقدی دوره قبل، دوره جاری و دوره بعد بطور جداگانه برای هرشرکت خطاهای برآورد تمام اقلام تعهدی را نشان می دهد و بعنوان اندازه معکوسی از کیفیت سود بشمار می آید. مدل اندازه‌گیری آنها نیازمند در نظرگرفتن مفروضاتی درباره اقلام بنیادین حسابداری(که مدیریت نشده

انـد) نیسـت و ارتبـاط مستقیمی میان جریانات نقدی و اقلام تعهدی دوره جاری ایجاد می کند. اما میان خطاهای برآورد دستکاری‌نشده و مدیریت سود عمدی تفاوتی قائل نمی‌شود. ازسوی دیگر در مدل فوق چنین‌فرض مـی شـود کـه‌اقلام تعهدی سرمایه در گردش، وجه نقد دریافتی و پرداختی را صرفاً یک دوره قبل یا دوره بعد به تعویق می‌اندازد.

بند هفتم: ارتباط مفید بودن در تصمیم گیری و ارائه صادقانه

سازه‌کیفیت سود بر اساس اقلام تعهدی اختیاری و غیراختیاری با سازه های کیفیت سود بر اساس پایداری، قابلیت پیش بینی‌و نوسان پذیری سود مطابقت ندارد. اما اندازه‌هایی که میان نقد و کل اقلام تعهدی تمایز قائل می‌شوند با پایداری وقابلیت پیش بینی‌سود بعنوان سازه های‌کیفیت سود مرتبط اند، بشرطی‌که میان اقلام تعهدی و وجه نقد در پایداری و قابلیت پیش بینی شان تفاوت وجود داشـته باشـد. در برخی‌از تحقیقات شواهد غیرمستقیمی وجود دارد مبنی بر اینکه سودهای گزارش شده نسبت به جریانات نقدی دوره جاری، پیش بینی کننده بهتری از جریانات نقدی آتی هستند (العطار و حسین، ۲۰۰۴). تحقیقات دیگر(فرانسیس‌وهمکاران، ۲۰۰۹، تانگ‌وهمکاران، ۲۰۰۷، گونزالس و همکاران۲۰۰۵،) به این نتیجه رسیده‌اند که سودهایی که به اقلام تعهدی و جریانات تعهدی تفکیـک شـده‌انـد جریانـات نقـدی آتـی را بهتـر ازسودهای گزارش شده پیش بینی‌کرده اند. هر اندازه که تغییرات در اقلام تعهدی و اندازه های بدست آمده از رویکرد برآورد مستقیم، دستکاری مدیریت‌و خطای اندازه‌گیری‌که سبب می شود سودهای گزارش شده از سود هیکسیان فاصله بگیرد، را در بـر دارد، به همان میزان هم نشانگر ارائه صادقانه هستند. لیکن، وظیفه اقلام تعهدی فـراهم آوردن شـناخت تغییـرات‌ارزش حسابداری در معاملاتی است که تکمیل نشده اند.

بنابراین چنین فرض می شود که بخش دسـتکاری‌نشده و بدون اشتباه اقلام تعهدی، میزان ارائه صادقانه سود حسابداری مطابق با سود هیکسیان را نشان مـی‌دهد. بر این مبنا، اندازه دچو و دیچو (که خطای اندازه گیری در اقلام تعهدی در برابر جریانات نقدی عملیاتی را اندازه گیری می کند) با ارائه صادقانه مطابقت دارد.

بخش سوم: بررسی و شناخت اجتناب از زیان

اجتناب از زیان، به این معنا که مدیران سعی در گزارش سودی بیشتر از صفر دارند. (اسکینرو اسلوان، ۲۰۰۲؛بارث و همکاران، ۱۹۹۹). شرکت‌هایی که سود سالانه‌ی پایینی را گزارش می‌کنند به دستکاری فعالیتهای عملیاتی واقعی می‌پردازند. معمولاً شرکت هابا دادن تخفیفات قیمت (که به بطور موقت فروش‌ها را افزایش می‌دهد)وبا تولید بیشتر(که بهای تمام شده هرواحد کالای فروش رفته را کاهش می‌دهد)وبا کاهش هزینه‌های اختیاری (هزینه‌هایی که بستگی به نظر شخصی مدیریت دارند) از گزارشگری زیان اجتناب می‌کنند. در ادبیات حسابداری، متداولترین روش‌ها برای مدیریت کردن سود، مدیریت سود تعهدی دستکاری فعالیت‌های واقعی یا همان مدیریت واقعی سود می‌باشد. از آنجا که معمولا مدیریت سود تعهدی در پایان دوره مالی ومدیریت واقعی سود در طی دوره مالی انجام می‌پذیرد، انتظار می‌رود که تصمیمات مدیران برای دستکاری فعالیتهای واقعی، بر مدیریت سود تعهدی اثرگذار باشد. بنابراین، در این پژوهش تأثیر دستکاری فعالیت‌های واقعی برمدیریت سود تعهدی مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای این منظور از جریان نقد عملیاتی غیرعادی و هزینه‌های اختیاری غیرعادی به عنوان معیارهای مدیریت سود واقعی و ازاقلام تعهدی اختیاری به عنوان معیار مدیریت سود تعهدی استفاده شده است به عبارت دیگر، هرچقدردستکاری فعالیتهای واقعی بیشتر باشد، دستکاری اقلام تعهدی نیز در پایان دوره بیشتر خواهد بود مدیران برای رسیدن به سودهای هدف نمی توانند فقط بر مدیریت اقلام تعهدی در پایان دوره اتکا کنند زیرا این کار ریسک زیادی دارد و به ویژه اگر عملکرد شرکت طی دوره و یا شرایط اقتصادی مناسب نباشد، برای رسیدن و یا نزدیک شدن به اهداف سود، محدودیت‌هایی را برای مدیران ایجاد می‌کند. ازطرفی مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیتهای واقعی نیز از آنجا که بر جریانهای نقد شرکت اثرگذار است، محدودیتها ومسئولیتهایی را برای مدیران ایجاد می‌کند. مثلا ممکن است دستکاری فعالیتهای واقعی در مجموع موجب زیان شرکت و یاکاهش سود شرکت نسبت به سال قبل شود و مدیران مجبور شوند برای گریز از این اتفاقات ناخوشایند، در پایان دوره دست به دامان اقلام تعهدی شوند. بر این اساس به نظر می‌رسد مدیران در تصمیمات خود برای مدیریت اقلام تعهدی،

دستکاری‌هایی را که بر روی فعالیتهای واقعی انجام داده اند نیز در نظر می‌کیرند و از ترکیبی از این انواع مدیریت سود استفاده میکنند. دستکاری فعالیت‌های واقعی (مدیریت واقعی سود) دستکاری فعالیت‌های واقعی زمانی اتفاق می‌افتدکه مدیران عهده دار فعالیت‌هایی می‌شوند که زمان بندی یا ساختار یک عملیات، سرمایه گذاری و یا معاملات مالی را به منظور اثرگذاری بر محصول (خروجی) سیستم حسابداری تغییر می‌دهد(گانی، ۲۰۱۰). دستکاری فعالیت‌های واقعی، انحراف از روش‌های عادی عملیاتی بوده و با هدف اولیه برآورده سازی آستانه‌های خاص سود انجام می‌گیردیکی از شیوه‌های دستکاری فعالیت‌های واقعی، دستکاری هزینه‌های اختیاری است؛)روچودهری، ۲۰۰۶)

هزینه‌هایی که به سادگی تحت تأثیر تصمیمات مدیریت قرار می‌گیرند مانند هزینه تبلیغات و هزینه تحقیق و توسعه. بیش ترین شواهد مربوط به دستکاری فعالیت‌های واقعی نیز، روی هزینه‌های اختیاری نظیر کاهش هزینه‌های تحقیق توسعه تمرکز دارند(بوش۱۹۹۸، ابر و همکاران۱۹۹۱، روچود هری۲۰۰۶) همچنین توماس و ژانگ شواهدی در مورد دستکاری فعالیت‌های واقعی از طریق تولید اضافی را دریافتند. به اعتقاد آنها مدیران بیشتر ازآنچه که برای فروش و سطح موجودی هدف عادی نیاز دارند، تولید میکنند تا بهای تمام شده کالای فروش رفته گزارش شده برای هر واحد را کاهش دهند که نتیجه آن افزایش در سودهای گزارش شده است. تخفیفات قیمتی نیزیکی دیگر از روش‌های دستکاری فعالیت‌های واقعی می‌باشد. مطالعات اخیر نشان دادند که مدیران تخفیفات قیمتی را به منظور افزایش حجم فروش‌ها ارائه میدهند(روچودهری۲۰۰۶، ویو۲۰۰۸) مدیران تخفیفات گسترده‌ای را نزدیک به پایان سال مالی جهت افزایش حجم فروش‌ها ارائه می‌دهند. افزایش حجم فروش‌های به وجود آمده احتمالاً زمانی که شرکت دوباره قیمت‌های قدیمی را برقرار می‌کند از بین خواهد رفت. این عمل در حقیقت انتقال سودهای آتی به دوره جاری است. نتیجتاً سودآوری آتی ممکن است به وسیله دستکاری فروش ناشی از تخفیفات قیمتی مخدوش شود(یو، ۲۰۰۸). زمان فروش دارایی‌ها و شناسایی سود غیرعملیاتی حاصل از آن نیز می‌تواند به عنوان راهی برای مدیریت سود مورد استفاده مدیران قرار گیرد که از طریق تصمیمات عملیاتی صورت می‌گیرد (گانی، ۲۰۱۰). به عبارت دیگر زمانی که درآمد عملیاتی جاری پایین تر)بالاتر(از

درآمد عملیاتی پیش بینی شده باشدمدیران از طریق فروش دارایی‌های ثابت و اوراق قابل معامله اقدام به مدیریت سود می‌کنند(هرمان و همکاران؛۲۰۰۳). البته نکته قابل توجه این است که قصد مدیریت، عامل مهمی در مدیریت واقعی سود می‌باشد. به این معنی که اگر شرکتی واجد یکی از شرایط مدیریت واقعی سود باشد، نمی توان گفت آن شرکت الزاما مدیریت واقعی سود انجام داده است. بلکه ممکن است انجام این فعالیت‌ها ناشی از مجموعه فرصتهایی باشد که در اختیار شرکت است. اما گاهی مدیران ازانجام این گونه فعالیت ها، قصد مدیریت سود و تأثیر مستقیم بر نتایج حسابداری دارند که نسبت به حالت پیش متفاوت می‌باشد. بنابراین شناخت نیت مدیریت، عامل مهمی در شناسایی مدیریت واقعی سود است (گانی، ۲۰۰۵)

بند اول: تاثیر انواع مدیریت سود بر یکدیگر

مدیران جهت اعمال مدیریت سود هم از دستکاری اقلام تعهدی اختیاری استفاده می‌کنند و هم فعالیت‌های واقعی را دستکاری می‌کنند. به عبارت دیگر این دو، نقش مکمل داشته ومدیریت از هر دو در کنار همدیگر جهت رسیدن به اهداف مدیریت سود استفاده می‌کنند. اما بین مدیریت سود تعهدی مدیریت سود واقعی تفاوت‌هایی وجود دارد :اولاً مدیریت سود تعهدی از طریق انتخاب روش‌های حسابداری توسط مدیریت صورت می‌گیرد و با تغییر در فعالیت‌های عملیاتی همراه نیست درحالی که مدیریت سود واقعی با تغییر در اساسی به منظور افزایش سودهای دوره جاری صورت می‌گیرد(گانی، ۲۰۱۰)، ثانیاً انتخاب‌های حسابداری، راجع به اقلام تعهدی به منظور مدیریت سود تعهدی ریسک و احتمال کشف شدن بیشتری در بررسی‌های حسابرسی دارد درحالی که قضاوتی بودن مدیریت سود واقعی این احتمال را برای آن کاهش داده است(یو، ۲۰۰۸). اما مهم ترین تفاوت بین مدیریت سود تعهدی و واقعی، زمان مدیریت سود است (یو، ۲۰۰۸). اغلب مدیریت سود وافعی طی دوره مالی اتفاق می‌افتد درحالی که مدیریت سود تعهدی در پایان دوره مالی به وقوع می‌پیوندد. مدیران به این دلیل تمایل به استفاده از مدیریت واقعی سود در طی دوره مالی و قبل از مدیریت سود تعهدی پایان دوره دارند که تکیه بر دستکاری اقلام تعهدی به تنهایی مستلزم یک ریسک است چرا که تحقق کسری پایان سال بین سود دستکاری نشده وآستانه مورد نظر

می‌تواند بیشتر از مقداری باشد که با دستکاری اقلام تعهدی امکان پذیر است و در صورت بروز چنین اتفاقی فعالیت‌های واقعی نمی تواند در پایان سال دستکاری شود(بروانس و مرچانت۱۹۹۰؛گراهام و همکاران، ۲۰۰۵). عموماً مدیران سطح مدیریت سود تعهدی را بعد از تعیین سطح دستکاری فعالیت‌های واقعی مشخص می‌کنند(مستورا، ۲۰۰۸). به عبارت دیگر مدیران ابتدا دستکاری فعالیت‌های واقعی را به کار می‌گیرند و سپس اقلام تعهدی را جهت مدیریت سود مورد استفاده قرار می‌دهند و هر کدام از این دو نوع مدیریت سود به صورت ترتیبی انجام می‌شود و دستکاری فعالیت‌های واقعی مدیران را به انجام مدیریت سود تعهدی تشویق می‌کند(سانجایا و ساراجی، ۲۰۱۲). دستکاری اقلام تعهدی ممکن است برای اجتناب از زیان‌های متأثر از فعالیت‌های واقعی اعمال شود. امروزه مدیریت سود یکی از موضوعات بحث برانگیز و جذاب در پژوهش‌های حسابداری است، به دلیل اینکه سرمایه گذاران به عنوان یکی از فاکتورهای مهم تصمیم گیری به رقم سود توجه خاصی دارند)نوروش و همکاران، ۱۳۸۴). سود یکی از مهم ترین منابع برای ارزیابی عملکرد واحد اقتصادی و شاخصی مناسب برای تصمیماتسرمایه گذاران به حساب می‌آید. همچنین سود به عنوان مبنایی برای محاسبه مالیات، معیاری برای ارزیابی موفقیت عملکرد شرکت، معیاری برای تعیین میزان سودهای قابل تقسیم، معیاری برای مدیریت توزیع سود سهام و مبنایی برای ارزیابی موفقیت مدیریت واحد اقتصادی است)کردستانی و هدایتی،. بنابراین چون سودها حاوی اطلاعات مهمی برای استفاده کنندگان داخلی و خارجی هستند به وسیله مدیران مدیریت می‌شوند تا به سرمایه گذاران خارجی آگاهی دهند که عملکرد شرکت مطلوب است(سانجایاو ساراجی، ۲۰۱۲). اما دانستن این نکته که مدیریت به رغم عملکرد واقعاً ضعیف، سود را مورد دستکاری قرار داده تا عملکرد را خوب گزارش کند، بر عموم سرمایه گذاران اثر منفی گسترده‌ای دارد. در نبود انگیزه‌های خاص، مدیران صرفاً با قصد گزارشگری منصفانه، اقدام به قضاوت‌ها وتصمیم گیری‌های حسابداری می‌کنند. اما در موقعیت‌های مختلف، انگیزه‌های اقتصادی اغواکننده‌ای نظیر دریافت پاداش برای مدیران وجود دارد که به مدیریت سود بپردازند؛ زیرا ارزش شرکت و ثروت مدیران و مالکان آن به شکل تفکیک ناپذیری به سودهای گزارش شده مرتبط است. اما انگیزه هرچه باشد، راه‌های

مدیریت سود به فراوانی اقلام تعهدی، برآوردها و قضاوت‌های حسابداری است. نگرانی روزافزون در جامعه سرمایه گذاری این است که برخی ازرویه‌های مدیریت سود اعتماد عمومی را نسبت به گزارشگری مالی برون سازمانی از بین می‌برد و مانع از جریان کارآمد سرمایه در بازارهای مالی می‌شود. منتقدان بر این باورند که مدیران از اختیار و آزادی عملی که به واسطه اصول پذیرفته شده حسابداری به آنها داده شده است سوءاستفاده می‌کنند و عمداً اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی را مخدوش می‌کنند(رحمانی، ۱۳۸۹). در ادبیات حسابداری سه روش برای مدیریت سود وجود دارد :حسابداری متقلبانه، مدیریت سود تعهدی و دستکاری فعالیت‌های واقعی(گانی، ۲۰۰۵). حسابداری متقلبانه شامل انتخاب‌هایی است که اصول پذیرفته شده حسابداری را نقض می‌کند(دچاو و اسکینر، ۲۰۰۰). اما از آنجا که مشهورترین روش‌ها برای مدیریت سود، مدیریت تعهدی سود و دستکاری فعالیت‌های واقعی می‌باشند (سانجایا و ساراجی، ۲۰۱۲). تمرکز اصلی بر روی مدیریت سود تعهدی و مدیریت واقعی سود می‌باشدمدیریت سود زمانی رخ می‌دهد که مدیران برای گزارشگری مالی و ساختار معاملات، با هدف تغییر درگزارشهای مالی، قضاوت خود را به کار می‌گیرند تا برخی از ذینفعان را در مورد عملکرد اقتصادی شرکت گمراه کنندیا بر نتایج قراردادهایی که به ارقام حسابداری گزارش شده بستگی دارد، اثر بگذارند(هیلی و واهل، ۱۹۹۹).

نتیجه گیری

شناسایی بی‌پروای سود رویه‌ای است که در آن، به منظور حداکثرسازی سود گزارش شده، شناسایی زیان‌ها به تاخیر افتاده و شناسایی سودها تسریع می‌گردد. بر خلاف شناسایی بی پروای سود، محافظه‌کاری در سود، موجب افزایش محتوای اطلاعاتی سود می‌گردد، چرا که اطلاعاتی در مورد تمایل مدیران به نگهداری سود فراهم می‌آورد. برای مثال، از آن جا که زیان‌های اقتصادی، بازخورد سریعی در مورد ضعف راهبردها و تصمیمات سرمایه‌گذاری مدیریت فراهم می‌آورند، مدیران ممکن است تمایل داشته باشند زیان‌های اقتصادی را پنهان نمایند. بنابراین به علت انگیزه‌هایی که مدیران در پنهان نمودن زیان‌ها و افشای سودهای اقتصادی دارند، شناسایی بی‌پروای سود احتمالا گزارشگری خوش‌بینانه و سوگیرانه از طرف مدیریت را منعکس می‌کند و اختلالاتی در سود گزارش شده به وجود

می‌آورد. نتایج کلی حاکی ازآن است مدیران در روش مدیریت سود زمان انجام عملیات، نحوه‌ی تخصیص منابع و یا زمان اجرای پروژه‌های سرمایه گذاری را تغییر می‌دهند فعالیتهای مدیریت مبتنی بر اقلام تعهدی هیچ پیامد مستقیم بر جریان نقدی را به همراه ندارد (کوهن و زاروبیین,۲۰۰۸).. کشف دست کاری اقلام تعهدی می‌تواند احتمال نیاز به بررسی‌های ویژه از جانب حسابرسان رابوجود می‌آورد همچنین ممکن است منجر به مجازاتهای مالی توسط نهادهای قانونی (مانند بورس ارواق بهادار)، لزوم ارائه‌ی مجدد سود و بررسی موضوع درداداگاه‌های حقوقی شود. مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اندازه گیری می‌شود. اجتناب اززیان مهم ترین استانه سود برای مدیران است و شرکتهاسود را برای اجتناب اززیان و کاهش سود مدیریت می‌کنند. به هر حال این پژوهش نشان می‌دهد هرچقد شرکت میزان اقلام تعهدی بالایی داشته باشد میزان اجتناب اززیان بالا می‌رود و اقلام تعهدی شاخصی برای مدیریت سود است. هرچه اندازه کیفیت اقلام تعهدی بیشتر باشد پایداری سود نیز بالا می‌رود. آستانه هاس سود اینگونه قابل بیان است:

۱-اجتناب اززیان، به این معناست که مدیران سعی در گزارش سودی بیشتر از صفر دارند

۲-اجتناب ازکاهش سود، به این معناست که مدیران سعی درگزارش سود مطابق با سود سال قبل باشد(یعنی ارایه سود به میزانی مشابه یا بیشتر از سال قبل)

۳-اجتناب ازسود غیرمنتظره منفی، به معنای گزارش سود به نحوی که ه انتظارات از سود ئست یابد یا ازآن بیشتر شود

هرچه اندازه شرکت بزرگتر باشد، مدیران شرکت انگیزه و تمایل بیشتری برای دستکاری سود خواهند داشت. بابزرگتر شدن شرکت‌ها مسولیت پاسخگویی انها بیشترمی شود و مدیران شرکت‌ها در معرض پاسخگویی به طیف وسیع تری از مدعیان قرار می‌گیرند. از طرفی در بازار سرمایه شرکت‌هایی هستند که دچار زیان می‌شوند، برخی از این زیان هاناچیز استو مدیران می‌توانند با دستکاری اقلام، اعداد زیان را که بار منفی داردبه عدد سود(اگرچه کم باشد)تحرف کنند. البته شرکت‌هایی ک دارای زیان‌های عمده هستند معمولا قادر به تبدیل زیان خود به رقم سود نیستند بنابراین نه تنها در شرکت‌هایی که زیان کم دارند این انگیزه وجود دارد با دستکاری در ارقام اززیان‌های کم اجتناب نمایند.

پیشنهادهای کاربردی پژوهش

- به سرمایه گذاران پیشنهاد می‌سود در تصمیم گیری به اطلاعات مرتبط با اقلام تعهدی شرکت توجه کنند
- به سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌شود در تصمیم گیری‌های خود تنها به نسبت‌های حسابداری، میزان بازده سهام یا اعداد توجه نکنندو به میزان اعمال نظر مدیریتو زمانبندی شناسایی اقلام تعهدی و عملکرد سود اتی توجه کنند
- به اعتبار دهندگان پیشنهاد می‌شود در هنگام اعتبار دهی به میزان اقلام تعهدی و تاثیرات آن درمدیریت سود دقت کافی داشته باشند
- به کلیه فعالان بازار سرمایه، تصمیم گیرندگان، تحلیلگران مالی و سرمایه گذاران بالقوه وبالفعل در بورس اوراق بهادار توصیه می‌شود درتحلیل طرح‌های سرمایه گذاری در دارایی‌های مالی واوراق بهادار برای ارزیابی میزان مخاطرات، زمانبندی و برآورد خالص جریان‌های نقدی آتی سرمایه گذاری‌های خود، با عنایت به سطوح مختلف و ناهمگن درجه مخاطره پذیری به عامل حیاتی چرخه عمر شرکت توجه وافر و درخور اهمیت داشته باشند، زیرا لحاظ این عامل مهم، به انتخاب سبد سرمایه گذاری بهینه با کمیته مخاطره و بیشترین بازدهی منجر می‌گردد؛ ضمن آنکه شفافیت محیط تصمیم گیری و نتایج حاصله را نیز دوچندان می‌نماید.
- با توجه به این که کشف مدیریت سود واقعی توسط حسابرس به سختی انجام می‌گیرد، پیشنهاد می‌شود جامعه حسابداران رسمی ایران و سازمان حسابرسی به عنوان فعالان عرصه حسابرسی در کشور، با آموزش حسابرسان خود، شرکت‌های موردرسیدگی را از پیامدهای آتی مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیتهای واقعی آگاه سازند. همچنین سازمان بورس اوراق بهادار باید به شکلی سرمایه گذاران بالقوه را بااطلاع رسانی صحیح، شرکت‌هایی را که به مدیریت سود واقعی روی می‌آورند، به سرمایه گذاران معرفی کند تا آن‌ها بطور آگاهانه ومتناسب با اهداف کوتاه مدت یا بلند مدت خویش اقدام به سرمایه گذاری یا عدم سرمایه گذاری درچنین شرکتهایی نمایند.

منابع و مآخذ

- اُستا سهراب، قیطاسی، روح اله «اثر چرخه عمر واحد تجاری بر اقلام تعهدی اختیاری مجله پژوهش‌های حسابداری مالی سال ۴، شماره ۱، شماره پیاپی (۱۱)، بهار ۱۳۹۱
- مرادی محمد, اسکندری، هدی« بررسی کیفیت سود طی چرخه عمر در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» مجله دانش حسابداری؛سال پنجم ش ۱۹زمستان ۱۳۹۳ ص۱۲۱-۱۳۹
- صدر اصفهانی، آریووثقفی، علی. (۱۳۹۱) «پیامدهای دستکاری سود از طریق فعالیتهای واقعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال دهم، شماره ۳۴
- اعتمادی، حسین؛ آذر، عادل و ناظمی اردکانی,مهدی(۱۳۸۹). «بررسی نقش تخصص حسابرس درصنعت برمدیریت سود واقعی وعملکرد آتی»مجله دانش حسابداری، سال اول، شماره ۱
- آقایی، محمد علی، آذر، عادل وجوان، اکبر (۱۳۹۱) بررسی رابطه جایگزینی دستکاری فعالیتهای واقعی و دستکاری اقلام تعهدی اختیاری، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی شماره ۲
- بهارمقدم، مهدی. (۱۳۸۵)، «محرکهایموثربر مدیریت سود»، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- جوان، علی اکبر. قربانی، سعید وناظمی اردکانی، مهدی(۱۳۹۰). « تاثیر مدیریت سود واقعی بر جریان هاینقدی عملیاتی آتی » فصلنامه پژوهشهای تجربی حسابداری مالی، سال اول، شماره اول، پاییز
- درستی، علی اکبر. (۱۳۸۵) «بررسی پدیده مدیریت سود از راه فعالیت‌های موثر بر جریانهای نقدی عملیاتی در شرکتهای پذیرفته شده دربورس اوراق بهادار تهران» پایان نامه منتشره نشده، دانشکده علوم انسانی دانشگاه بین المللی قزوین.
- عدیلی، مجتبی و علی مرادزاده (۱۳۸۸) بررسی رابطه بین مدیریت سود مبتنی بر فعالیت‌های واقعی و هزینه حقوق صاحبان سهام. دانشکده علوم اقتصادی، پایان نامه

کارشناسی ارشد حسابداری.

- یاسری، محمد. (۱۳۸۶)بررسی مدیریت سود از طریق فعالیتهای واقعی دانشگاه مازندارن پایان نامه کارشناسی ارشد.
- کرمی، لامرضا؛ داوری نژاد مقد، اعظم؛ تحریری، آرش (۱۳۰۵)، بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود حسابداری به منظور هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مطالعات تجربی حسابداری مالی، مطالعات حسابداری سابق دانشکده حسابداری و مدیریت علامه طباطبایی، پاییز ۱۳۰۵ شماره ۳۱
- Degeorge, François; Patel, Jayendu; Zeckhauser, Richard, (۲۰۰۷), Earnings thresholds and market responses Swiss Finance Institute, University of Lugano
- Gunny, Katherine (۲۰۱۰), The relation between earnings management using real activities manipulation and future performance: Evidence from meeting earnings benchmarks, The Canadian Academic Accounting Association (CAAA), Vol ۲۷ No ۳-Fall ۲۰۱۰
- Gunny, Katherine A. ,(۲۰۰۵), What Are the Consequences of Real Earnings Management? PhD Dissertation, University of California, Berkeley
- Pan. C. (۲۰۰۸), "Real Activities Earnings Management by Japanes Firms to Avoid Losses". LEC-tokyo.
- Roychowdhury, S. (۲۰۰۶). Earnings management through real activities manipulation. Journal of Accounting and Economics, ۴۲(۳), ۳۳۵-۳۷۰
- Roychowdhury, Sugata, (۲۰۰۶), Earnings management through real activities manipulation, Journal of Accounting and Economics, ۴۲(۳), pp. ۳۳۵-۳۷۰.
- Schipper, K. , ۱۹۸۹. Commentary on Earnings Management. Accounting Horizons ۳, ۹ ۱۰۲.

- Scott, D. W. , ۱۹۹۲, Multivariate Density Estimation: Theory, Practice, and Visualization (Wiley, New York).
- Silverman, B. W. , ۱۹۸۶, Density Estimation for Statistics and Data Analysis (Chapman & Hall, London).
- Stein, J. C. (۱۹۸۹). Efficient capital markets, inefficient firms: A model of myopic corporate behavior. The Quarterly Journal of Economics, ۱۰۴(۴), ۶۵۵-۶۶۹.
- Suresh Radhakrishnan۲۰۱۵ "Firm Life Cycle and Real-Activity Based Earnings Management" Jindal School of Management, University of Texas at Dallas, Richardson, Texas, U. S. A.
- Teoh, S. H. , Welch, I. , & Wong, T. J. (۱۹۹۸). Earnings management and the long-run market performance of initial public offerings. The Journal of Finance, ۵۳(۶), ۱۹۳۵-۱۹۷۴.